

تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم «قلب اجتماعی»

در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی با تأکید بر آیه اعتصام

مهدی نصیری^۱، حمزه خادم‌علی^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: mahdinasiri1@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

hamzeh.khademali@gmail.com

چکیده

یکی از مسائل بنیادین جامعه‌شناسی دینی، تبیین الگوی مطلوب نظم اجتماعی در جوامع اسلامی است. آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی با رویکردی قرآنی و اجتهادی، مدل خاصی از نظم اجتماعی را با عنوان «قلب اجتماعی» صورت‌بندی کرده است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که بر اساس آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران، چگونه می‌توان از اندیشه شاه‌آبادی الگویی بومی برای بازسازی جامعه اسلامی استخراج کرد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - تفسیری و بر پایه کتاب *شذرات المعارف*، نشان می‌دهد که قلب اجتماعی متشکل از سه مؤلفه تعاملات اجتماعی گرم، رابطه اجتماعی مبتنی بر اخوت ایمانی و هنجارهای قرآنی است. شاه‌آبادی با نقد گسست‌های اجتماعی و روابط سرد، تأکید دارد که تنها از رهگذر پیوند عاطفی و معرفتی قلوب مؤمنان می‌توان ظرف نزول معارف قرآن بر جامعه را فراهم ساخت. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که مدل «قلب اجتماعی» نه تنها چارچوبی نظری برای تحلیل انسجام و هویت جمعی در جامعه اسلامی عرضه می‌کند، بلکه ظرفیت کاربردی برای بازسازی روابط اجتماعی و تقویت پیوندهای ایمانی در شرایط معاصر را نیز داراست. این الگو می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای نظریه‌پردازی اجتماعی اسلامی و طراحی مداخلات فرهنگی و اجتماعی در جوامع مسلمان مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قلب اجتماعی، نظم اجتماعی، تعاملات اجتماعی گرم، آیه اعتصام، شاه‌آبادی

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از چالش‌های بنیادین جامعه‌شناسی دینی، فقدان مدل‌های مفهومی بومی برای تبیین نظم اجتماعی در جوامع اسلامی است. اغلب نظریه‌های موجود در این حوزه، متکی بر سنت‌های فکری غربی‌اند و کمتر به ظرفیت‌های نهفته در میراث فکری و فلسفی اسلامی توجه شده است. در این میان، اندیشه‌های آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی در کتاب شذرات المعارف، به‌ویژه در پرتو آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران، امکان ارائه الگویی متمایز از نظم اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ الگویی که بر پیوند قلوب مؤمنان، انسجام جمعی و شکل‌گیری هویت اجتماعی مشترک تأکید دارد.

با وجود این ظرفیت، تاکنون تلاش جدی برای بازسازی و صورت‌بندی جامعه‌شناختی مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشه شاه‌آبادی صورت نگرفته است. این مفهوم، در نگاه ایشان، نه صرفاً یک استعاره عرفانی بلکه سازوکاری برای تحقق انسجام اجتماعی در جامعه اسلامی است؛ سازوکاری که می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری برای بازسازی نظم اجتماعی و مقابله با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی عمل کند. شاه‌آبادی با تکیه بر این مبانی قرآنی، تلاش کرده است تا مدلی از نظم اجتماعی مبتنی بر «قلب اجتماعی» ارائه دهد؛ مدلی که در آن روابط اجتماعی، تعاملات انسانی و هنجارهای مطلوب، بر محور پیوند قلب‌ها و انسجام روحی جامعه شکل می‌گیرند.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی بر اساس آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران چیست و این مفهوم چگونه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بازسازی نظم اجتماعی در جامعه اسلامی صورت‌بندی شود؟

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تاکنون پژوهشی با تمرکز ویژه بر مفاهیم بنیادین جامعه‌شناختی و با هدف استخراج چارچوب‌های اجتماعی از اندیشه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی، به‌ویژه با تکیه بر آیه اعتصام، صورت نگرفته است. اغلب پژوهش‌های موجود، در چارچوب سنتی یا فلسفی، و حداکثر با رویکردی توصیفی به مباحث اجتماعی پرداخته‌اند.

با این حال، دو مقاله به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهومی همچون «قلب اجتماعی» بوده‌اند:

۱. مقاله یوسفی (۱۳۹۴) به بررسی الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که ایشان با آسیب‌شناسی اوضاع اقتصادی زمان خود، ریشه اصلی مشکلات اقتصادی را سلطه نظام‌های اقتصادی غربی و شرقی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی می‌دانست و الگوی اقتصادی متمایز مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه‌های اسلامی ارائه می‌کند.

۲. مقاله انصاری مقدم (۱۳۹۸) به بررسی نظریه فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی و دلالت‌های آن در گونه‌شناسی کنش اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد که از دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی، فطرت انسان دارای ابعاد گوناگونی است که از جمله آن‌ها می‌توان به بعد اجتماعی اشاره کرد. بر این اساس، کنش‌های اجتماعی انسان نیز تحت تأثیر این فطرت شکل می‌گیرند.

۲. ادبیات نظری

ادبیات نظری این پژوهش با دو هدف تدوین شده است: نخست، ایضاح مفاهیم بنیادین مورد استفاده در مقاله، و دوم، بازسازی بستر نظری لازم برای تبیین «قلب اجتماعی» در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی.

الف) مفاهیم

در بخش به تعریف و بیان مراد از مفاهیم مطرح شده در این نوشتار پرداخته می‌شود.
قلب:

واژه قلب، عنوان محوری و اساسی این پژوهش است. مراد از قلب در علوم مختلف، یکسان نیست. قلب از منظر قرآن، کانون عواطف و احساسات انسانی یا به تعبیر دیگر کانون گرایشات است. (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۶ و ۱۲۷) فطرت:

مرحوم شاه‌آبادی فطرت را ساختمان وجودی انسان دانسته و پایه و اساس فطرت را عشق معرفی می‌کند؛ (همان: ۱۲۷) و یا به عبارت دیگر ایشان صفت ذاتیه انسان را عشق می‌دانند. (همان: ۱۸) قلب اجتماعی

انسان‌ها از طریق روابط اجتماعی با یکدیگر، هویت اجتماعی خود را شکل داده و به وحدت دست می‌یابند. بدون احساس هویت جمعی و اتحاد میان اعضای جامعه، امکان ادامه حیات اجتماعی میسر نخواهد بود. مرحوم شاه‌آبادی به تبیین این حکم اجتماعی در قالب مفهوم قلب اجتماعی پرداخته‌اند.

ب) نظریه‌ها

بخش ادبیات نظری صرفاً برای روشن کردن مفاهیم و جایگاه کلی بحث طرح شده و کارکرد آن فراهم‌سازی چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل اندیشه شاه‌آبادی است. مسئله اصلی موسسان جامعه‌شناسی مدرن، نظم از دست رفته جوامع غربی در اثر پیدایش انقلاب صنعتی و دست‌یابی به نظم اجتماعی نوین بود (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷). در واقع نظم اجتماعی و انسجام جمعی، از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بوده است. پیدایش جوامع مدرن و تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی، مسئله فروپاشی نظم سنتی و چگونگی ایجاد انسجام جدید را به کانون توجه نظریه‌پردازان غربی تبدیل کرد. در این بخش، به اختصار به برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.
۱. آگوست کنت^۱:

کنت که تجربه فروپاشی نظم فئودالی و آشفتگی‌های پس از انقلاب کبیر فرانسه را از نزدیک دیده بود، مهم‌ترین پرسش خود را چنین طرح کرد: چگونه می‌توان نظم اجتماعی را بازسازی کرد؟ او پاسخ این پرسش را در ایجاد «وفاق ذهنی» و توافق مشترک میان افراد جامعه یافت. از نگاه کنت، نظم اجتماعی محصول همبستگی فکری و ارزشی میان افراد است و تا زمانی که وفاق عمومی وجود داشته باشد، جامعه ثبات خواهد داشت (آرون: ۱۳۶۶). برقراری نظم پیشین در طول قرن‌ها به علت وجود وفاق آن روزگار درباره آن نظم بوده است و نابودی توافق عمومی درباره آن نظم موجب نابودی آن نظم شده است و چون هنوز توافق جدیدی ایجاد نشده نظم نوین هم استقرار نیافته است. (اورعی، ۱۴۰۲: ۱۹۸)

^۱ Auguste Comte

۲. امیل دورکیم^۲

یکی دیگر از جامعه‌شناسانی است که با بررسی آثار کنت و اسپنسر و نقد آنها توجه خود را بر همبستگی اجتماعی و آثار و شدت و ضعف آن و نیز بر میزان تقسیم کارهای اجتماعی و نسبت آن با نوع همبستگی و میزان آن و تاثیر متغیر اخیر بر وضعیت هنجاری جامعه متمرکز کرد (اورعی، ۱۴۰۲: ۲۰۵). او با الهام از کنت، مسئله اصلی جامعه‌شناسی را بررسی «انسجام اجتماعی» دانست. او در کتاب درباره تقسیم کار اجتماعی، همبستگی را به دو گونه مکانیکی و ارگانیکی تقسیم کرد. در جوامع سنتی، انسجام بر اساس شباهت‌ها و باورهای مشترک است (همبستگی مکانیکی)، اما در جوامع مدرن، تقسیم کار گسترده سبب وابستگی متقابل افراد و در نتیجه انسجام ارگانیکی می‌شود. دورکیم همچنین در کتاب خودکشی نشان داد که تضعیف هنجارها (آنومی) یکی از تهدیدهای جدی انسجام اجتماعی است. تحولات تقسیم کار اجتماعی منجر به تحول سازمان‌های اجتماعی می‌شد. در نگاه دورکیم تفاوت دوران مدرن و پیشامدرن در نوع تقسیم‌کار است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۶۰-۷۴).

۳. تاکت پارسونز^۳

پارسونز به‌عنوان نظریه‌پرداز نظم اجتماعی در قرن بیستم، نظام اجتماعی را متکی بر ارزش‌های مشترک دانسته و نظام ارزشی مورد قبول اکثریت را عامل اصلی نظم اجتماعی می‌داند (اورعی، ۱۴۰۲: ۱۹۹). به طور کلی، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی درباره نظم اجتماعی، هرچند در بستر تجربه غربی شکل گرفتند، اما نقطه مشترک آن‌ها تأکید بر ضرورت وفاق، هنجارها و ارزش‌های مشترک برای انسجام جامعه است. بیان این نظریه‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای فهم بهتر دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی در باب انسجام و نظم اجتماعی فراهم آورد. اندیشمندان کلاسیک دین را امری لازم و با ارزش می‌دانستند و راهی هم برای جامعه جدید جز بازگشت به دین نمی‌شناختند اما دین سنتی را به عنوان منبعی برای ایجاد نظم نوین ناکافی دانستند. کنت دین انسانی را مطرح کرد (کوزر، ۱۳۸۷: ۳۶) که سر از هیومنیتیسم و انسان‌پرستی درآورد (آرون، ۱۳۶۳: ۱۳۵) و دورکیم اعلام کرد خداوند چیزی جز همان جامعه نیست (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۸۱) و شریعت نیز همان هنجارهای اجتماعی است که به رفع نیازهای جامعه می‌پردازد و سر از سوسیالیسم یا جامعه‌پرستی درآورد (همان: ۲۹۲). در حقیقت قدر مشترک بین جامعه‌شناسانه غربی روگردانی از مبانی دینی برای بازسازی نظم نوین اجتماعی می‌باشد که به صورت‌های مختلفی ظهور و بروز یافته است تفاوت رویکرد آیت‌الله شاه‌آبادی این است که ایشان در مواجهه با تمدن مدرن غرب مقهور نمی‌شود بلکه با فعال سازی ظرفیت‌های نهفته در مبانی و معارف دینی به بازسازی نظم نوین برای جامعه اسلامی همت می‌گمارد که نسبت به مبانی و معارف دینی کاملاً وفادار است. ایشان با محور قرار دادن آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران، تلاش می‌کند تا از طریق شناسایی و تأکید بر مفاهیم موجود در این آیه تبیینی از شرایط موجود جامعه و راه دستیابی به مدلی از نظم جدید را ارائه کند. مدلی که مبنای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) قرار گرفت، بسیاری از جامعه‌شناسان را به شگفتی واداشت؛ تا آنجا که برخی از آنان از این رخداد به‌عنوان "روحي در جهاني بی‌روح" یاد کردند (فوکو، ۱۴۰۱). اگر بخواهیم اندیشه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی را در قالب مفاهیم و ادبیات جامعه‌شناسی بازخوانی کنیم، می‌توان گفت ایشان در پی تبیین پیوند میان تعامل اجتماعی، روابط اجتماعی و شکل‌گیری هنجارهای مطلوب در جامعه بوده‌اند؛ موضوعی که در ادامه به تفصیل

^۲ Émile Durkheim

^۳ Talcott Parsons

بررسی خواهد شد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی تفسیری انجام شده و بر تحلیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران (آیه اعتصام) و آثار مکتوب آیت الله شاه آبادی، به ویژه کتاب شدرات المعارف مبتنی است. تلاش شده است مفاهیم اجتماعی نهفته در متن آیه و نگاه تفسیری مؤلف با زبان جامعه‌شناختی بازخوانی و ساختاردهی شود. آیت الله شاه آبادی در مواجهه با این آیه، رویکردی ساختاری و سیاق‌محور در تفسیر قرآن اتخاذ می‌کند که آن را می‌توان در تقابل با نگاه رایج جزیره‌ای (اتمیک) در برخی روش‌های سنتی تفسیر دانست. در رویکرد جزیره‌ای، آیات به صورت منفصل و مجزا بررسی می‌شوند و عنصر سیاق و پیوستگی درونی آیات مورد توجه قرار نمی‌گیرد (صدر، ۱۳۵۹: ۷). در مقابل، رویکرد ساختاری که در میان بسیاری از مفسران معاصر از جمله علامه طباطبایی نیز مشاهده می‌شود، قرآن را همچون متنی یکپارچه و نظام‌مند می‌بیند که میان اجزای آن پیوند معنایی برقرار است. در این نگاه، مفسر برای تفسیر سوره، به دنبال کشف غرض سوره به عنوان روح کلی جاری در همه آیات است (معرفت، ۱۳۸۸: ۳۳۴). این در حالیست که برخی مفسران، با تأکید بر نگاه جزیره‌ای، با وحدت غرض سوره‌ها به صورت مطلق، مخالفت کرده‌اند؛ بلکه برخی پا را فراتر گذاشته و حجیت سیاق را مورد تردید، قرار داده‌اند. یکی از مفسران معاصر چنین می‌گوید: «اینکه بعضی از مفسرین اصرار دارند، ارتباطی میان تمام آیات یک سوره یا حتی دو سوره برقرار سازند و بحث‌هایی تحت عنوان نظم آیات ترتیب داده‌اند، این اصرار هیچ موردی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۶). در نگاه غیرساختاری، بر قرائن برون متنی همچون روایات تأکید بیشتری می‌شود؛ در حالیکه نگاه ساختاری بیشتر بر قرائن درون متنی تأکید می‌کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های تفسیری و کلامی، رویکردی میان‌رشته‌ای در تلفیق آموزه‌های دینی و نظریه‌پردازی اجتماعی اتخاذ کرده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی اندیشه‌های آیت الله شاه آبادی پرداخته می‌شود و مفاهیم استخراج شده به شرح ذیل بیان می‌گردد.

۴-۱- تعامل اجتماعی^۴

در نگاه جامعه‌شناسانه، تعامل اجتماعی زیربنای شکل‌گیری حیات اجتماعی است. (اورعی، ۱۴۰۲: ۳۴). آیت الله شاه آبادی نیز در تحلیل خود از جامعه اسلامی، نقطه آغاز را «کنش اجتماعی» و در امتداد آن، «تعامل اجتماعی» قرار می‌دهد. از منظر ایشان، تعامل اجتماعی زیربنای شکل‌گیری حیات اجتماعی است. از نظر وی اگر کنش و تعامل اجتماعی به درستی شکل نگیرد آثار منفی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، پیامدهای گسترده‌ای برای جامعه در پی خواهد داشت. مظاهر تمدن غرب که به سرعت در حال ورود به ایران است و مرحوم شاه آبادی را نگران ساخته دارای پیشینه تاریخی روشنی است که در آثار اندیشمندان بزرگ جامعه‌شناسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. انقلاب صنعتی تعاملات گرم موجود در جوامع سنتی را به تعاملات خنثی و رابطه اجتماعی را به رابطه‌ای سوداگرانه

⁴ Social Interaction

و مبتنی بر منافع شخصی تبدیل می‌کرد؛ چراکه تا پیش از تقسیم‌کار مدرن، مردم در رفع نیازهای روزمره خود به شکل آشکاری به یکدیگر وابسته بودند و نیازهای یکدیگر را بر طرف می‌ساختند و همین مسئله تعاملات عاطفی گرم را میان آنها تقویت می‌نمود. با انقلاب صنعتی و نیاز روزافزون کارخانجات به کارگران، نیاز افراد به یکدیگر رنگ می‌باخت و همه نیازمند محصولات کارخانه‌ها می‌شدند. این مسئله تعاملات گرم را تضعیف کرده و به سوی تعاملات سرد خنثی سوق می‌داد. (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۲۷ و ۱۳۴)

از نگاه شاه‌آبادی، جامعه ایرانی گرفتار نوعی بیماری مزمن در ساحت تعاملات اجتماعی است؛ بیماری‌ای که صرف ابراز تأسف و انتقاد از آن کافی نیست، بلکه نیازمند درمانی بنیادین و بازسازی سازوکارهای تعامل اجتماعی است. (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۵-۲۶)

ایشان در آسیب‌شناسی خود، چهار عامل اساسی را در افول جامعه مؤمنان برمی‌شمارد:

- ۱) غرور مسلمانان به حقانیت خود؛
- ۲) ناامیدی از دستیابی به سعادت؛
- ۳) پراکندگی و تفرقه؛
- ۴) نداشتن بیت‌المال.

هر چند وبر کنش اجتماعی را دارای بروز بیرونی میدانند که به شکل معناداری به سوی انسانی دیگر جهت‌گیری شده باشد (وبر، ۱۳۸۵: ۸۰). ولی برخی دیگر از جامعه‌شناسان تصریح کرده‌اند که در فهم جامعه‌شناسانه مضایقه و کناره‌گیری از کنش‌های مورد انتظار یا همان تعامل‌گریزی، خود یک عمل معنادار است و اینطور نیست که عمل فقط انجام دادن باشد بلکه انجام ندادن نیز عمل است؛ (اورعی، ۱۴۰۲: ۴۱) دو عامل اخیر در کلام آیت‌الله شاه‌آبادی دلالت آشکاری بر کنش‌های اجتماعی و اقتصادی دارند اما ایشان به خوبی، دو عامل نخست یعنی غرور و ناامیدی، را تحت کنش اجتماعی قرار می‌دهند و با این‌کار زمینه توسعه در مفاهیم کنش اجتماعی و تعاملات در مدل نظری خود را ایجاد می‌کنند. غرور و ناامیدی تا در افکار شخصی فرد است بُعد اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ ولی همین نگرش‌های ذهنی هنگامی که متوجه دیگران است کنش و عمل اجتماعی به شمار می‌آید و هنگامیکه به مثابه یک نگاه اجتماعی میان کنشگران شیوع پیدا می‌کند و موجب مضایقه و کناره‌گیری از کنش‌های مورد انتظار می‌شود، خود نوعی از تعامل اجتماعی است که اگر در مواجهه با یک تمدن بیگانه مهاجم رخ دهد و موجب تحویل دادن میدان تعاملات اجتماعی به دشمن گردد منشاء آسیب‌های اساسی خواهد بود.

ایشان بحث خود را با تاکید بر دو عامل غرور به حقانیت و یاس از ظهور آغاز می‌کند و معتقد است که این دو عامل مانع از بروز کنش‌های اجتماعی مورد انتظار در جامعه شده است. ایشان به خوبی درک می‌کنند که عمل و تعامل اجتماعی از لحاظ بار هیجانی و عاطفی می‌توانند واجد یا فاقد بار هیجانی و عاطفی باشند و غرور و یاس، دو عاملی هستند که دارای بار عاطفی و انگیزشی هستند. این دو عامل در میان کنش‌گران از سطح هیجانی فراتر رفته و به شکل عاطفه منفی در آمده‌اند بطوریکه مانع از شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌شوند و این عدم تعامل خود نوعی عمل اجتماعی سرد است که موجب تحویل میدان اجتماع به دشمنان شده است. مرحوم شاه‌آبادی بحث را از کنش‌های اجتماعی و تعامل‌های اجتماعی آغاز می‌کند. ایشان معتقد است که اسلام و معارف آن با حیات انفرادی تناسب ندارد؛ بلکه اساس معارف آن مبتنی بر تعاملات اجتماعی گرم است. ایشان با تاکید بر قبول هدیه، قبول

دعوت، عیادت بیمار، قرض دادن و ... بر ضرورت کنش های اجتماعی گرم در جامعه تاکید می کند (شاه آبادی، ۱۴۰۲: ۱۰۵). سنگ بنای جامعه تعاملات گرم^۵ است با تعاملات خنثی ممکن است زندگی روزمره بگذرد و به نوعی کارها پیش برود اما جامعه و گروه که مستلزم پیوند همبستگی است به وجود نمی آید. خشت اول یک گروه کوچک یا متوسط یا بزرگ مثل جامعه، تعاملات گرم مبتنی بر عاطفه مثبت است. انواع تعاملات گرم مستمر، باعث می شود که کم کم احساس مثبت آن به فاعلین اعمال هم سرایت کند و احساس ما بودن و انسجام و همبستگی اجتماعی شکل گیرد و تقویت شود (آخوندی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). علاوه بر این تعاملات گرم برابر نیز با این که کنش های ارزشمندی هستند اما اگر کسی بخواهد در این نوع از کنش متوقف شود و به آن بسنده کند و آن را اساس تشکیل گروه و جامعه قرار دهد باز هم مشکل ساز خواهد بود. تعاملات گرم برابر هم نمی تواند سنگ بنای خوبی برای شکل گیری گروه یا جامعه یا امت یا تمدن باشد؛ چرا که همواره در تعاملات یک پیش فرض ذهن کنشگران را مشغول می دارد و آن اینکه من به شرطی خوبی می کنم که به همان میزان خوبی ببینم و اگر طرف مقابل من میزان کمتری توجه از خود نشان دهند من آن را قبول ندارم و رابطه را قطع می کنم. چنین تعاملی همواره در آستانه ورود شک و تزلزل و تهدید به انقطاع است. آیت الله شاه آبادی مشکل جامعه دوران خود را ضعف تعاملات اجتماعی مطلوب در جامعه و میان مومنان به عنوان کنشگران اجتماعی می داند.

در اندیشه آیت الله شاه آبادی، تضعیف تعاملات اجتماعی مطلوب، به ویژه در میان مؤمنان، باعث واگذاری میدان جامعه به دشمنان شده و زمینه ساز سلطه گفتمان های بیگانه گردیده است. او تأکید می کند که ارتباط قلبی انسان با خداوند، عامل حیاتی گرمی و پایداری روابط انسانی است و اگر این پیوند الهی از تعاملات حذف شود، جامعه به تدریج دچار گسست های درونی و بحران هویت خواهد شد. در چنین شرایطی، جامعه به ظاهر منسجم و منظم می نماید، اما در باطن، تعارض و واگرایی میان اجزای آن جریان دارد؛ تعارضی که نهایتاً به فروپاشی منجر می شود. این همان جامعه ای است که قرآن درباره اش می فرماید: گمان می کنی متحدند، ولی دلهایشان پراکنده است (۱۴/حشر).

۴-۲- رابطه اجتماعی^۶

تعاملات اجتماعی نیازمند بستری است که تعامل در آن رخ دهد. در اصطلاح جامعه شناسی این بستر «رابطه اجتماعی» نامیده می شود. رابطه اجتماعی انتزاعی است از ویژگی های هزاران تعامل که بین دو نفر یا دو گروه اتفاق می افتد. گئورگ زیمل^۷ با تمرکز بر تعامل ها و با این فرض که عمل اجتماعی و تعامل واقعیتی روان شناختی است و نه موضوع جامعه شناسی، موضوع جامعه شناسی را اموری می داند که پس از عمل رخ می دهد. او به این نتیجه می رسد که رابطه ای که در این تعامل ها وجود دارد، پدیده ای نوظهور که واجد خصوصیات جامعه شناسی است و آن را «صورت اجتماعی» و «فرم اجتماعی» می نامد. از نظر او، موضوع جامعه شناسی مطالعه همین صورت ها و فرم های اجتماعی نظیر رابطه فرماندهی، همکاری، مشارکت، ستیزه، جنگ، رقابت و ... است. هر رابطه اجتماعی، لوازم و اقتضائات خاص خود را دارد. وقتی رابطه رقابت است، انسان ها برای موفقیت، توانایی های خود را افزایش می دهند؛ اما در رابطه ستیزه، تلاش می کنند تا توانایی های طرف مقابل را کاهش دهند تا پیروز شوند. یکی از پیامدهای ناخواسته رقابت، تحکیم ارزش های متناسب با آن است. برای مثال، در مسابقه دو میدانی، ارزش به سرعت و استقامت

⁵ Warm Social Interactions

⁶ Social Bond

⁷ Georg Simmel

و در رقابت‌های علمی، به تسلط بر جزئیات مطالب است. هر کس بیشتر واجد این ارزش باشد او برتر است و همه طرف‌های درگیر این مسئله را باور دارند که سرعت و مقاومت یا تسلط بر جزئیات مطالب، امر ارزشمندی و نهادینه شده است. اما رابطه ستیزه، به معنای از بین بردن توانایی دیگری است؛ یعنی در اینجا ارزش در تعالی و کمال نیست، بلکه در پایین نگه داشتن دیگران از طریق از بین بردن توانایی یا امکان رقابت در آن‌ها مانند تقلب، است. به طور طبیعی، این اقتضائات، تعاملات و کنش‌های همسو با خود را تقویت کرده و کنش‌های ناهمسو را تضعیف می‌کند. تمدن غرب همزمان با ورود خود به جامعه اسلامی، ضمن تضعیف کنش‌های گرم و سوق دادن آن به سوی غلبه کنش‌های خنثی، از طریق تأکید بر تحصیل حداکثر سود و منفعت شخصی، رابطه اجتماعی را نیز به سوی رقابت، بلکه ستیزه سوق می‌داد به طوری که به مرور و برای تصاحب موقعیت شغلی بهتر، افراد به تعاملات سرد گرایش پیدا می‌کردند.

مرحوم شاه‌آبادی پس از تأکید بر ابتدای معارف اسلامی بر تعاملات اجتماعی گرم، به تبیین رابطه اجتماعی می‌پردازد و مفهوم اجتماعی اخوت را به عنوان زمینه و بستر شکل‌گیری و تقویت تعاملات اجتماعی گرم در جامعه معرفی می‌کند (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۷۴). رابطه اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که به عنوان ظرف کنش‌های گرم، نقش اساسی و مهمی در معناداری به این کنش‌ها را ایفا می‌کند. ظرف آلوده، غذای پاک و طاهر را نیز آلوده خواهد کرد. برای مثال، هدیه که نماد و سمبل کنش گرم نابرابر است، اگر در بستر چشم و هم‌چشمی میان خانواده‌ها قرار گیرد، به عنصری سرد تبدیل می‌شود و چیزی که در طول تاریخ نماد تعامل گرم بوده است، به موضوعی جدایی‌آمیز تبدیل می‌شود. به همین دلیل آیت‌الله شاه‌آبادی بر حفظ و تقویت رابطه اجتماعی اخوت در جریان تعاملات و کنش‌های اجتماعی تأکید ویژه‌ای دارد.

«...قبول هدیه نمودن خصوصاً اگر کم بوده باشد... و چون رد کند بدون جهت عقلایی دلیل بر عدم انس و خروج از انسانیت و اتصاف به فرعونیت است... اجابت دعوت نمودن خصوصاً اگر دعوت کننده به حسب مقام کوچکتر بوده باشد کاشف از مهربانی و انس است... آنکه باید تعدیلی کند در ما حاضر و ماحصل نسبت به میهمان و دیگران؛ نه آنکه تمام را برای او حاضر کند و عیال را محروم سازد که این نیز موجب نقض غرض است و مانع از حدوث الفت؛ بلکه شاید در بعضی موجب بغضاء شود» (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

در حقیقت، رابطه اجتماعی نقش محافظ تعاملات و کنش‌های گرم اجتماعی را ایفا می‌کند و محبت خداوند، سوخت محرک آن است (آخوندی، ۱۳۸۹: ۲۰۷). جامعه‌ای که محبت خدا در آن نقش‌آفرینی نمی‌کند، روابط گرمی که در طول تاریخ اساس انسجام اجتماعی بوده‌اند را خنثی کرده و جایجایی روابط ایجاد می‌شود. وقتی پیوندهای حقیقی قطع می‌شود، جامعه ناگزیر از شکل‌دهی به پیوندهای غیراصیل شبه‌حقیقی یا شبه‌پیوند است. رابطه‌های عاشقانه و دوستی‌های زودگذر، جایگزین رابطه‌های عمیق و پایدار خانوادگی و خویشاوندی می‌شود و گروه دوستان با روابط قراردادمحور مبتنی بر منفعت، جانشین خانواده محبت‌محور با تعامل گرم نابرابر شده‌اند. تعاملات و رابطه اجتماعی، هنجارهای متناسب با خود را نهادینه می‌کند. از اینجا ایشان به سومین مفهوم اجتماعی مهم، یعنی هنجارهای اجتماعی منتقل می‌شود.

۴-۳- هنجارهای اجتماعی^۸

انسان‌ها از طریق تعاملات با یکدیگر در بستر رابطه اجتماعی، زندگی اجتماعی خود را شکل می‌دهند. بدون احساس هویت جمعی و اتحاد میان اعضای جامعه، امکان ادامه حیات اجتماعی میسر نخواهد بود. در قرآن دعوت انسان‌ها به اجتماع و اتحاد به صورت دعوت به اقامه دین و پرهیز از تفرقه مردم در آن پیشنهاد شده است که نشان می‌دهد، تنها ضامن اجرای تحقق جامعه مطلوب، دین است (همان، [۴]: ۱۴۷). در حقیقت دین، منبع هنجارهای مطلوب برای تشکیل جامعه آرمانی است. بر همین اساس قرآن کریم از اهل کتاب می‌خواهد که کتاب آسمانی خود را به‌پا دارند: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (مائده: ۶۸) و تاکید می‌کند که در صورت عدم اقامه تورات و انجیل، پایگاه و تکیه‌گاه قابل اعتمادی نخواهند داشت (همان، [۶]: ۹۳). قرآن از مسلمانان نیز می‌خواهد که حول محور کتاب آسمانی خود گرد هم آیند: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). این آیه به قرینه دو قید «جمیعا» و «و لا تفرقوا» در پی بیان حکم جامعه است (همان، [۳]: ۵۷۲).

آیت‌الله شاه‌آبادی شاهد ورود مظاهر تمدن غرب به ایران و در پی آن، تزیف روزافزون هنجارهای قرآنی در جامعه بود. شرایطی که هر اندیشمند اجتماعی را به تفکر عملیاتی پیرامون جامعه و ارائه راهکار برای اصلاحات اجتماعی می‌کشاند. همین روند پس از انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد و جامعه‌شناسان بزرگی را به خود مشغول ساخت. دورکیم پس از مشاهده روند تضعیف هنجارها در جامعه تلاش‌های خود را بر تحلیل پدیده خودکشی و ارتباط آن با تضعیف هنجارها پس از انقلاب معطوف ساخت (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۴۰-۲۴۸). جالب است که مرحوم شاه‌آبادی نیز در مواجهه با مسئله تضعیف هنجارها در جامعه به سراغ مفهوم خودکشی می‌رود اما بر خلاف دورکیم، این پدیده را در سطح رابطه اجتماعی و نه کنش اجتماعی تبیین می‌کند که به وضوح صبغه اجتماعی آن قوی‌تر است. ایشان معتقد است نحوه ورود صنایع مختلف که مظاهر تمدن غرب‌اند به جامعه ایرانی در بستری معیوب در حال رخ دادن است که اگر به آن اکتفا شود و کشور از کاروان علم و صنعت دور بماند، سررشته تمامی نیازمندی‌ها در دست دشمن قرار خواهد گرفت و استمرار آن می‌تواند جامعه را در کلیت خود به سوی خودکشی و انعدام و فروپاشی بکشاند. ایشان می‌نویسد:

«این معیشت فعلی که از رشحات معیشت دشمن است البته باقی نخواهد ماند و محکوم خواهد بود به اعدام؛ بلکه کمال علم و عمل دشمن و قوت حیات او و تدبیر در جریان تجارتش موجب تعطیل قوای عامله و نقص در ما شده علماً و عملاً نظیر قوت حیات ذابح که مذبوح را به آن مقام رسانیده و با وجود آن به همان حرکت تقلصی قانع است و جست و خیزی می‌نماید؛ غافل از آن‌که به اندک زمانی فانی خواهد گشت» (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۸۱).

آیت‌الله شاه‌آبادی در مواجهه با جامعه زمان خود با این پرسش روبرو می‌شود که چرا با آن‌که قرآن خود را تنها نسخه نجات‌بخش بشر معرفی می‌کند اما جامعه ایرانی تا این پایه گرفتار سقوط و انحطاط شده است؟ ایشان در ابتدای کتاب خود چنین می‌نویسد:

«مدت زمانی است که مملکت اسلام مبتلابه امراض مزمنه و مهلکه شده، انتشار عقاید باطله و اخلاق رذیله و افعال قبیحه به حدی است که نمی‌توان جامعه را نسبت به انسانیت داد فضلاً عن الاسلامیه» (همان:

⁸ Social Norms

آیت‌الله شاه‌آبادی به دنبال راهی برای اتصال جامعه به هنجارهای قرآنی است؛ چراکه وحدت بر مبنای دین الهی و کتاب خدا تنها عامل نجات از اختلافات و نابسامانی‌های اجتماعی است (آخوندی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). جریان قرآن در زندگی انسان نیازمند زمینه مناسب برای دریافت معارف قرآن است. اما قرآن حقیقتی عظیم و سنگین است و جریان هنجارهای قرآنی در جامعه به سادگی امکان‌پذیر نیست. قرآن قلب را جایگاه نزول خود معرفی می‌کند. قلب در منظومه معارف اسلامی از جایگاه بسیار والا و رفیعی برخوردار است. تاکید فروان بر قلب در آیات قرآن و همچنین روایات معصومین، توجه اندیشمندان اسلامی را در طول تاریخ به خود معطوف داشته است. هر چند ادیبان، فیلسوفان و مفسران فراوانی پیرامون قلب سخن‌ها گفته‌اند و عرفا قلب را کانون مباحث عرفان اسلامی قرار داده‌اند، اما در کلیت خود، توجه شایسته‌ای به ابعاد اجتماعی قلب نداشته‌اند. آیت‌الله شاه‌آبادی با درک عمیق و تشخیص خلاء موجود، بر ابعاد اجتماعی قلب تاکید کرده و ذیل آیه ۱۰۳ از سوره مبارکه آل‌عمران، تبیینی بدیع ارائه کرد. ایشان با پیوند میان مفاهیم بنیادین پیش گفته بر پایه اتحاد و ائتلاف قلوب مومنان دست به تاسیس و خلق مدلی می‌زند که ما آن را «قلب اجتماعی» نامیده‌ایم. ایشان تشکیل قلب اجتماعی را شرط بهره‌مندی مومنان از معارف ناب اجتماعی قرآن دانسته و تحقق هنجارهای قرآنی در جامعه اسلامی را در گرو آن می‌داند.

۴-۴- قلب اجتماعی^۹

مرحوم شاه‌آبادی در تحلیل اجتماعی خود از آیه اعتصام، بر این باور است که با مقایسه صدر و ذیل این آیه، روشن می‌شود که قرآن ریسمان آویخته الهی از عرش خدا تا عرش قلب‌های به هم پیوسته مومنانی است که بر اساس برادری با یکدیگر رفتار می‌کنند. ایشان در این رابطه چنین می‌نویسد:

« خداوند عالم، قرآن را که حبل الله است، از عرش الرحمن، نازل فرموده بر عرش اخوت انسان، که در حقیقت، الفت قلوب و ارتباط دل‌های مومنین است به یکدیگر، تا فهمیده شود که مستقر قرآن و نوامیس الهیه، جامعه اخوت مسلمین است» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶).

چنگ زدن جمعی مومنان به ریسمان خدا، همچون یک رشته عرضی است که وقتی در کنار حبل الله قرآن به منزله یک رشته طولی قرار می‌گیرد، تار و پود درهم تنیده ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد که از طریق آن می‌توان در برابر هر آسیب اجتماعی ایستاد و آن را اصلاح نمود. ایشان در این خصوص چنین می‌نویسد:

«البته نتوان قرآن عظیم را به انفراد نگهداری نمود؛ بلکه باید به ایادی متحده جامعه اخوت انسانیت، آن را [نگاهداشت چراکه مومنین] مادامی که مرتبط نشوند به خیط اخوت، در حکم غیریت و مباینت است و البته جهات مباینه، موثر در یک جهت و محصل یک مقصد نخواهد بود.» (همان: ۸)

این کلام آیت‌الله شاه‌آبادی را می‌توان در قالب یک سلسله مقدمات قرآنی، چنین توضیح داد: خداوند از مومنان می‌خواهد که به قرآن، چنگ بزنند و آن را نگهدارند. این چنگ زدن از طریق عمل به معارف قرآن و کنشگری بر اساس آن حاصل می‌شود. برای نگه‌داشتن قرآن، شنیدن قرآن کافی نیست، بلکه باید قرآن وارد قلب انسان شود ﴿حُدُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ﴾ (البقرة: ۹۳). همچنین از این که در این آیه، از قرآن به حبل الله تعبیر شده، می‌توان فهمید که حیثیت نزولی قرآن در این امر لحاظ شده است و اعتصام در صورتی محقق می‌شود که قرآن بر جان و قلب انسان نازل شده و در آن بنشیند. قلب مومن

^۹ Collective hearts

صلاحیت نزول قرآن را دارد؛ (شیرازی، ۱۳۶۳: ۶۵ و ۶۶) زیرا «قلب المومن عرش الرحمن» (مجلسی، ۱۴۰۳، [۵۵]: ۳۹) است. لذا قرآن که حبل الله است، می تواند از عرش الرحمن الهی بر عرش الرحمن قلب مومن نازل شود؛ اما قلب برای این که محل نزول قرآن قرار گیرد، نیازمند ظرفیت متناسب با قرآن است؛ چراکه قرآن هم سخن خداوند عظیم است «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (بقره: ۲۵۵) و هم خود پدیده ای عظیم است «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ» (الحجر: ۸۷). بنابراین خداوند، از آن به «قول ثقیل» یاد کرده است «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (المزمل: ۵). بر این اساس، هر قلبی توانایی برقراری ارتباط و دریافت معارف قرآن را نخواهد داشت. تنها قلبی همچون قلب پیامبر که دارای خلق عظیم است «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴) این ظرفیت عظیم را خواهد داشت که جایگاه نزول قرآن قرار گیرد «فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (البقره: ۹۷). اما قلب مومن، هرچند اصل صلاحیت دریافت این قول ثقیل را دارد و درباره مومن گفته شده که «المومن كالجبل الراسخ» (مازندرانی، ۱۳۸۲، [۹]: ۱۸۱)، اما کلام الهی چنان سنگین و سترگ است که قرآن می فرماید: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (الحشر: ۲۱). لذا قلب یک نفر به تنهایی ولو قلب موسی کلیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) باشد، توان دریافت قرآن را ندارد؛ چراکه به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، قرآن تجلی خداوند متعال است؛ «فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر ان یكونوا راه» (علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷: ۱۴۷) لذا قرآن درباره موسی می فرماید: «فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا» (الأعراف: ۱۴۳).

روایات تفسیری ذیل این آیه، موضوع تجلی خداوند بر حضرت موسی (ع) را به این صورت توضیح می دهد: (حضرت موسی از خداوند خواست که مقام امت آخرین را به او نشان دهد، خداوند فرمود: تو توان دیدن جایگاه آنان را نداری، اما گوشه ای از جایگاه و مقام رفیع آنان که موجب برتری ایشان بر تو و سایر مخلوقاتم شده است را به تو نشان خواهم داد؛ پس خداوند پرده از ملکوت عالم بر گرفت و موسی در برابر خود جایگاهی را مشاهده کرد که از شدت نور و نزدیکی آن جایگاه به خداوند، نزدیک بود قالب تهی کند. حضرت موسی (ع) به خداوند عرض کرد: این امت به چه سبب بدین مقام رفیع نایل گشتند؟ خداوند پاسخ داد: به سبب خصلتی که در آنان قرار دادم و آن خصلت نیکو ایثار است. (ورام، بی تا، [۱]: ۱۷۳). تاکید بر ایثار که بر پایه عشق و محبت است و نماد کنش اجتماعی گرم و نابرابر است، ارتباط میان آیات و روایات با مفاهیم سه گانه قلبی را به خوبی روشن کرده و آن ها را با یکدیگر منسجم می کند. ایثار از حیث گرایش خود ریشه در الفت قلوب دارد که مورد تاکید آیه اعتصام است و از حیث زمینه تحقق خارجی که در قالب از خودگذشتگی و مقدم داشتن برادران ایمانی بر خود است، کاشف از رابطه اجتماعی اخوت میان مومنان می باشد. در حقیقت، با تاکید بر صفت ایثار، بیشترین توجه به جایگاه قلب و دل که محور این مقاله است، شده و از آن در جامعه سازی استفاده شده است.

روایت زیر، اوج رابطه اخوت را در امت آخرالزمان نشان می دهد: ابو سعید خدری می گوید: همان شبی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به غار رفتند، علی (علیه السلام) به جای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بسترشان خوابید. خداوند تبارک و تعالی به جبرئیل و میکائیل (علیهما السلام) فرمود: بین شما برادری برقرار کردم، عمر یکی از شما از دیگری طولانی تر است کدامیک از شما حاضر است برای دیگری فداکاری کند و از مقداری عمرش درگذرد؟ هر یک از آنها حیات و زندگی خود را خواستند. خداوند متعال فرمود: شما مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیستید؟ من بین او و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برادری قرار دادم و علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خوابید، و ایثار نمود، جانش را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد. بسوی زمین بروید و او را از شر دشمنان محافظت نمایید. جبرئیل کنار

سر و میکائیل پایین پایشان قرار گرفتند. جبرئیل گفت: خوشا به حال مثل تو ای پسر ابی طالب (علیه السلام)، خداوند به تو بر ملائکه مباحث می کند. در این هنگام خداوند بر رسولش این آیه شریفه را در شان علی (علیه السلام) فرستاد. (بغمایی، ۱۳۷۸: ص ۳۰).

بر اساس آنچه گذشت، روشن شد که تجلی قرآن در قلب، کاری بس سخت و دشوار است که طاقت و نیرویی عظیم می طلبد و از عهده هر کسی بر نمی آید. با این اوصاف چگونه می توان بر این مشکل غلبه کرد و قرآن را بر جان مومنان نشانید؟ با توجه به ارتباط میان صدر و ذیل آیه اعتصام، این مشکل قابل حل است. خداوند می فرماید: شما مومنان، باید قرآن را نگهدارید و کاری کنید که این حبل الله، بر عرش قلب شما نازل شود؛ به این منظور، خداوند نعمتی را در اختیار شما قرار داده است که از طریق تمسک به این نعمت الهی، این مشکل قابل حل است (وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ) (آل عمران: ۱۰۳). این نعمت الهی عبارت از اجتماع قلوب مومنین و تشکیل یک هویت جمعی و قلب اجتماعی است؛ لذا فرمود: ﴿إِذْ كُنْتُمْ أُعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾ (همان). در حقیقت آیت شاه آبادی بر اساس این آیه شریفه دست به مدل سازی اجتماعی می زند که بر پایه ائتلاف قلوب و اشتراک گذاری گرایشات قلبی میان انسان ها، در قالب عرش اخوت استوار است (شاه آبادی، ۱۴۰۲: ص ۵۰). این مدل یک مدل گرایشی عرفانی در قبال مدل های معرفتی فلسفی نظیر مدل جهان های اجتماعی است که بر پایه معانی بین الاذهانی شده میان اعضای یک جامعه استوار می باشد (پارسانیا، ۱۴۰۱). با اتحاد قوای مومنان و تجمیع فضائل اخلاق آنان، قلب اجتماعی به مرتبه ای از خلق عظیم دست می یابد و این توان برای قلب انسان حاصل می شود که در حد خود، محل نزول قرآن قرار گیرد. ارتباط قلبی میان مومنان، با تاکید آیه بر الفت و اخوت میان مومنان هماهنگ است ﴿فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (همان). این اخوت خود به منزله یک رشته عرضی است که در کنار حبل الله به عنوان رشته طولی قرار می گیرد. در آیه دیگر قرآن به این دو رشته طولی و عرضی یکجا اشاره می کند ﴿ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ﴾ (همان: ۱۱۲). آن رشته طولی در کنار این رشته عرضی، تار و پود ساختار اجتماعی مستحکمی را در هم می تند که چون بر تن مومنان راست آید، می توان با آن همچون لباس رزم جندالله، به جنگ لشکر کفر و نفاق جهانی رفت و ریشه فساد را در جهان قلع و قمع نمود و از این طریق، ذلت و زبونی را از امت اسلامی دور ساخته و عزت و عظمت را به آنان هدیه می دهد.

۴-۵- طراحی مدل مفهومی از قلب اجتماعی

حال که مفاهیم مورد نظر از کلمات آیت الله شاه آبادی استخراج گردید، در این بخش به دنبال ارائه یک مدل اجتماعی هستیم. اساس این مدل بر پایه پیوند قلوب مومنین با یکدیگر استوار است که با عنوان «قلب اجتماعی» نام گذاری شد. قلب اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است که در هر یک با مفاهیم بنیادین جامعه شناسی ارتباط پیدا می کند. این مفاهیم بنیادین عبارتند از: تعاملات اجتماعی، رابطه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی. قلب اجتماعی بر پایه تعامل این عناصر سه گانه شکل می گیرد، قوام می یابد و مستحکم می شود. این مفاهیم سه گانه نیز به نوبه خود با یکدیگر ارتباط دارند که می توان این ارتباطات را در قالب گزاره های زیر بیان نمود:

۱. تعاملات اجتماعی ↔ رابطه اجتماعی: تعاملات اجتماعی گرم می توانند روابط اجتماعی اخوت را تقویت نمایند، همچنان که تعاملات اجتماعی سرد یا خنثی می توانند این روابط را تضعیف نمایند. به طور مشابه، روابط اجتماعی اخوت بستر لازم را برای تقویت تعاملات اجتماعی گرم فراهم می سازد و تضعیف این روابط زمینه گسترش تعاملات

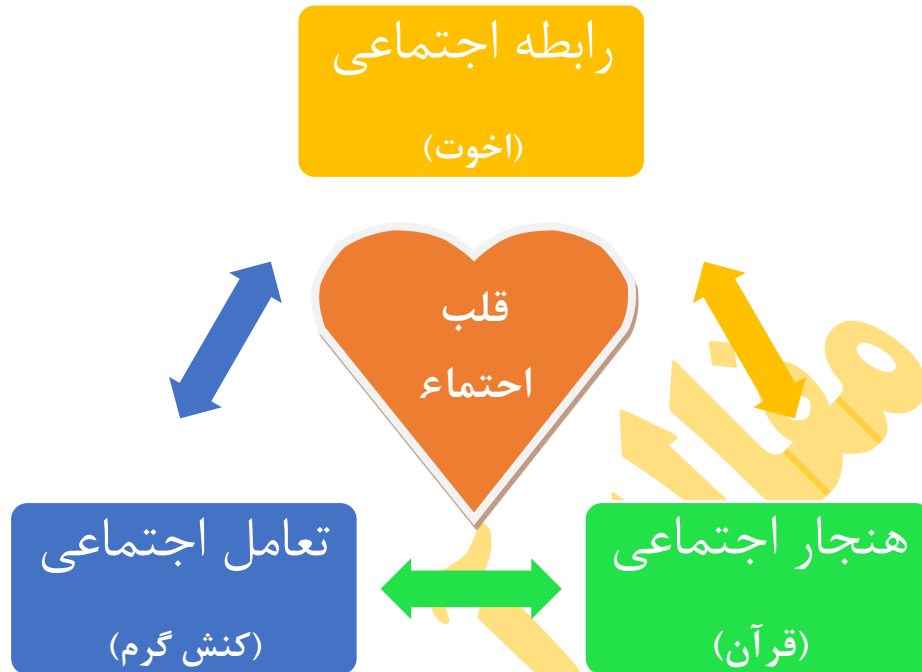
خنثی و سرد را تقویت می کند.

۲. تعاملات اجتماعی ↔ هنجارهای قرآنی: تعاملات اجتماعی گرم در واقع تحقق عینی هنجارهای قرآنی در جامعه هستند که حضور این هنجارها را در فضای فرهنگی جامعه استحکام می بخشد. از سوی دیگر، هنجارهای قرآنی این ظرفیت را دارد که تعاملات اجتماعی گرم را متناسب با نیازهای فرهنگی جامعه را هدایت کنند.

۳. رابطه اجتماعی ↔ هنجارهای قرآنی: روابط اجتماعی اخوت زمینه نزول هنجارهای قرآنی را بر قلب جامعه فراهم می سازد و هرچقدر این روابط بیشتر تقویت شوند، معانی عمیق تر و ظریف تری از آن آشکار می گردد. بالعکس با عمیق تر شدن هنجارهای قرآنی، ابعاد جدیدی از روابط اجتماعی آشکار می شود که امکان حضور هماهنگ تر این روابط را در فرهنگ جامعه تسهیل می سازد.

وقتی این سه عامل در یک تعامل مناسب با یکدیگر قرار بگیرند، مکانیسمی پدید می آید که محصول آن اتصال قلوب مومنین به یکدیگر و شکل گیری قلب اجتماعی است. اگر بخواهیم این مکانیسم را در قالب یک مدل اجتماعی بیان کنیم، می توان آن را به شکل یک مدل مفهومی زیر ارائه داد.

شکل: مدل مفهومی از قلب اجتماعی:



این مدل به پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه این امکان را می‌دهد تا با کمی‌سازی این عوامل، تاثیرات این متغیرها بر یکدیگر را بررسی کنند و آن را در سطح جامعه ارزیابی کنند و میزان اثربخشی این عوامل را در کاهش آسیب‌های اجتماعی آزمایش و تحلیل کنند.

۶. نتیجه‌گیری

قلب یکی از مفاهیم کلیدی و بنیادین در قرآن کریم است. همان‌گونه که انسان دارای ابعاد فردی و اجتماعی است، قلب نیز می‌تواند دارای وجوه فردی و اجتماعی باشد. آیت‌الله شاه‌آبادی با بهره‌گیری از برخی آیات قرآنی و روایات و با تکیه بر پیوند میان آن‌ها و فطرت انسانی، مفهومی نو از پیوند قلوب مؤمنان ارائه داده که در این مقاله از آن به «قلب اجتماعی» یاد شده است.

ایشان اسلام را دینی با ماهیت اجتماعی معرفی می‌کند و معتقد است که بهره‌مندی از هدایت اجتماعی قرآن، مستلزم نزول آن بر قلب جامعه است. از منظر ایشان، قرآن برای نزول و تأثیرگذاری اجتماعی خود، نیازمند ظرفی متناسب با خاستگاه عرشی خویش است که ظرفیت چنین امری را داشته باشد، ظرفی که آن را «عرش اخوت قلوب مؤمنان» می‌نامد. عرش اخوت، محصول پیوند میان قلوب مؤمنان است. این پیوند به مثابه رشته‌ای عرضی، دل‌های مؤمنان را که کانون علایق فطری الهی و منشأ کنش‌های گرم و معنادار در تعاملات اجتماعی‌اند، به یکدیگر متصل می‌سازد. چنین پیوندی زمینه‌ساز تخلق به صفات الهی و آمادگی برای دریافت و درک معارف اجتماعی قرآن است. در این مقاله تلاش شد تا با بهره‌گیری از ادبیات جامعه‌شناختی، رویکرد علمی آیت‌الله شاه‌آبادی در مواجهه با معایب، آسیب‌ها و نقصان‌های اجتماعی تبیین شود. در این راستا، سه مفهوم بنیادین تعامل اجتماعی، رابطه اجتماعی و هنجار اجتماعی با استفاده از کلمات ایشان شناسایی و معادل‌سازی شد. سپس کوشیده شد تا این مفاهیم در قالب یک رویکرد اجتهادی، بر اساس آیه اعتصام (آیه ۱۰۳ سوره آل عمران)، مورد بازخوانی و استنباط قرار گیرد. با تحلیل

پیوند و تعامل این مفاهیم، مفهوم جدید «قلب اجتماعی» استخراج شد؛ مفهومی که می‌تواند افق‌های جدیدی را برای پژوهش‌های مفهومی و سنجش تجربی در حوزه مسائل اجتماعی بگشاید. بر اساس این مدل «تعامل اجتماعی مطلوب» به عنوان تعاملات و کنش‌های گرم و نابرابر مبتنی بر محبت و اخلاص تعریف می‌شود؛ «رابطه اجتماعی مطلوب» در قالب رابطه اخوت ایمانی صورت‌بندی می‌گردد و «هنجار اجتماعی مطلوب» در تحقق هنجارهای قرآنی در جامعه تجلی می‌یابد. قلب اجتماعی حاصل پیوند این سه مؤلفه است؛ مؤلفه‌هایی که در یک ارتباط دو سویه و دیالکتیکی، تأثیرگذار و تأثیرپذیر از یکدیگرند. این تأثیر و تأثر متقابل قابلیت آن را دارد که در قالب یک مدل مفهومی اجتماعی صورت‌بندی شده و زمینه‌ساز توسعه معارف اجتماعی قرآن و مقابله با آسیب‌های اجتماعی در جامعه را فراهم آورد.

فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) علی بن ابی‌طالب، امام. (۱۳۸۷ق). نهج‌البلاغه. (شریف الرضی، گردآوری). (صبحی صالح، مصحح). بیروت، بی‌نا.
- ۳) آخوندی، محمدباقر؛ و ایازی، علی‌نقی. (۱۳۸۹). مفاهیم اجتماعی در قرآن بر اساس تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب.
- ۴) آرون، ریمان. (۱۳۶۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. (باقر پرهام، مترجم). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۵) پارسانیا، حمید. (۱۴۰۱ش). جهان‌های اجتماعی، تهران، کتاب فردا
- ۶) دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. (باقر پرهام، مترجم). تهران: کتابسرای بابل.
- ۷) دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). خودکشی. (نادر سالارزاده امیری، مترجم). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۸) دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. (باقر پرهام، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- ۹) ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: علمی.
- ۱۰) شاه‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۰). شذرات المعارف. (بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، مصحح). تهران: ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.
- ۱۱) شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. (محمد خواجوی، مصحح). تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- ۱۲) صدر، سید محمدباقر. (۱۳۵۹). انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن. (محمد مهدی فولادوند، مترجم). تهران: بنیاد قرآن.
- ۱۳) صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۴۰۲). مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۴) فوکو، میشل. (۱۴۰۱ش). ایران روح یک جهان بی‌روح، (نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، مترجم)، تهران: نشر نی
- ۱۵) کوزر، لیونیس. (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران:

انتشارات علمی.

- ۱۶) مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح کافی الاصول و الروضة. (علی اکبر غفاری، مصحح). تهران: المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع.
- ۱۷) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بیروت). بیروت: بی نا.
- ۱۸) معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- ۱۹) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰) ورام، مسعود بن عیسی. (بی تا). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام) (ج. ۲-۱). قم: دارالتعارف، دارصعب، مکتب الفقیه.
- ۲۱) یغمایی، ابوالفضل. (۱۳۷۸). امام علی (ع) در قرآن از دیدگاه اهل سنت. قم: احسن الحدیث.

مقالات

- ۱) یوسفی، احمدعلی. (۱۳۹۴). تحلیل الگوی اقتصادی آیت الله شاه آبادی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره دوره (۵۷)، صص ۸۷-۱۱۱.
- ۲) انصاری مقدم، علی. انسان اجتماعی مبتنی بر نظریه فطرت آیت الله شاه آبادی و دلالت های آن در گونه شناسی کنش اجتماعی. فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره دوره (۳۸)، صص ۹۹-۱۳۱